

# نقش مهارت‌های خودیاری در فرایند یادگیری



کودکان را متثر سازد. معلمی که می‌خواهد به هر شکل ممکنی به کودکانی که دارای مشکلات یادگیری هستند پیاری رساند و بین طریق از مشکلات آنان پیشگیری نماید بطور غیر مستقیم موجب واپسگردی آنان به خود را موجب می‌شود.

ضرورت و اهمیت مهارت‌های خودیاری در این است که به کودکان معلول یا کودکانی که دارای مشکلات خودیاری یادگیری اند کمک می‌کند که به طور مؤقتی آمیزی در فعالیتهای کلاسی شرکت جویند. بتایرین هنگامی می‌توان کودکانی با نیازهای ویژه را در کلاس‌های عادی قرار داد که به سطح معینی از استقلال در عادات کاری، خویشتنداری، مهارت‌های اجتماعی و آمادگی برای دستیابی به اهداف یادگیری تحصیلی رسیده باشند.

خودیاری به شدت متنکی بر رفتارسازشی است. رفتار سازشی بنا به تعریف بوتلر<sup>۲</sup> عبارت است از مهارت‌های شخصی فرد که در سازگاری با صحیط به سطح مناسبی از استقلال و مستولیت‌پذیری رسیده باشد و این امر به

نحوه و حفظ توجه بر تکلیف بدون نظرات دائمی یا انتکا برکسی، نحوه و مشاهده نمودن امور معمول در کلاس، همچنین داشتن لوازم و ریشه‌یا کتابهای خواندنی برای درس خاصی، داشتن اینکه چه موقع درس یا کلاس تغییر می‌کند و ... اطلاق می‌شود. مهارت‌های خودیاری مستلزم این است که تکمیل تمایل به تمایز قابل شدن بین کلاسها باشد و بترتیب سبک اداره کلاس هر معلم، انتظارات و امور معمول در کلاسها داشت. همچنین آموز تنهای شنوندۀ متفعلی است هک کارش صرفاً یادداشت برداری است و بر عکس در بعضی از کلاسها مهارت‌های لازم برای لنجام خودیاری مستلزم آگاهی از نحوه پاسخ‌دهی به خواسته‌ها و فشارهای درسی‌های مختلف است.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد انواع محیط‌های یادگیری که توسط معلم ایجاد می‌شود و شیوه تدریس وی می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای هم تحول و کسرش مهارت خودیاری و هم استقلال موقع کنترل انجام تکلیف ناشی شده‌اند.

یکی از زمینه‌های مورد علاقه روان‌شناسان تربیتی تعیین و بسط مهارت‌ها و قابلیتهایی است که در پرتو آن دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و سایر امور وابسته به آن موفق گردند. مهارت‌های خودیاری از جمله این مهارت‌هایی باشند. در این مقاله مفهوم مزبور همراه با راهبردهای بسط و گسترش آن توسط آموزگاران مورد بحث قرار می‌گیرد.

## • تعریف اصطلاح مهارت‌های خودیاری:

مهارت‌های خودیاری در این بحث به تواناییهای کودک در انجام اعمال به طور مستقل و در شرایط یادگیری اطلاق می‌گردد. در کلاس درس این مهارت‌ها به رفتارهای همچون آگاهی از نحوه سازمان بخشیدن به مطالب، داشتن اینکه هنگام تکمیل یک تکلیف چه باید کرد، داشتن اینکه در چه موقع و به چه نحوی باید از آموزگار و سایر همایشان پیاری خواست، نحوه و کنترل نمودن غلط‌هایی که از بی‌توجهی در موقع کنترل انجام تکلیف ناشی شده‌اند،

واسطه رشد داخی<sup>۳</sup>، سازگاری اجتماعی و یادگیری حاصل می‌شود.  
بسیاری از دانش آموزانی که نچار معلولیت ذهنی و یا دارای اختلالات اجتماعی و عاطفی و روان‌شناختی می‌باشند، مکرراً رفتارهای سازشی ضعیفی را نشان می‌دهند (تور من و وایدستروم<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰). در واقع آسیب رفتار سازشی با ترکیبی از هوش عمومی پایین‌تر از میانگین هنوز به عنوان شاخصی جهت تعیین کردن افرادی که نچار معلولیت ذهنی هستند، بکار می‌رود.

**اقدامات آموزگاران برای آموزش مهارت‌های خودیاری**  
شواهد متعددی بر تاثیر آموزش مهارت‌های خودیاری بر ارتقاء سطح استقلال حتی در دانش آموزانی که نچار معلولیت ذهنی و یا دارای اختلالات یادگیری هستند، دلالت می‌کند. آموزگاران باید به نکات چندی در عبارتند از:

۱- آموزگاران باید باور داشته باشند که چنین آموزش‌هایی بسیار با اهمیت بوده و می‌توان آنها را به کودکانی که فاقد هرگونه مهارت خودیاری هستند، آموخت. ۲- آموزگاران باید به طور دقیقی به مهارت‌ها و رفتارهایی که دانش آموز انشان را در دستیابی به استقلال یاری می‌رساند توجه نمایند.

موضوع خودیاری در کودکان به شدت به سازه معرفت در روانشناسی

داده شده بودند، نشان داد که چنین کوکانی در مرحله نخست به سبکهای بسیار سازمان یافته تدریس به ویژه در یادگیری مهارت‌های تحصیلی و کلاسهای معلم مدار که قابل پیش‌بینی و ساخت یافته باشد، به بهترین نحوی پاسخ می‌دهند. از سوی دیگر دانش آموزانی که مرجع کنترلشان بیرونی است قادرند به خوبی از عهده برنامه‌های کودک مدار و باز برآیند (بینل، تولیفسون و فاین<sup>۵</sup>، ۱۹۸۰)، علی‌رغم اینها، آموزگاران باید به دانش آموزانی که به طور قابل ملاحظه‌ای بیرونی هستند، کمکهایی در جهت افزایش درونی شدن مرجع کنترل، ازان نمایند این تحول، احتمالاً قرایبندی تدریجی خواهد بود، از این‌رو از راهبردهایی که کودک را فوراً در محیط‌های یادگیری بسیار باز و کودک مدار قرار می‌دهد باید اجتناب نموده، زیرا ممکن است موجب احساس بیشتر درمانگی و نداشتن کفايت لازم گردد. نیاز به کار مدام و آهسته با چنین کوکانی وجود نارد تا آنان احساس مسئولیت بیشتری نسبت به کارها و فعالیت‌هایشان در طی زمان خاصی بنمایند. باید توجه داشت که رویکرد تدریس سازمان یافته، صرفاً به میزان ناجیزی سطح درونی بودن را بالا می‌برد و ممکن است تنها در شرایطی که کودک هنوز استقلال لازم را برای انجام کارهای مدرسه‌اش پیدا نکرده است، پروردی واقع شود. به عنوان مثال برنامه‌های معلم مدار به منظور آموزش مهارت‌های بنیادی تحصیلی ضروری به نظر می‌رسد این شیوه به ویژه برای دانش آموزانی که

تحت عنوان مرجع کنترل<sup>۶</sup> ارتباط دارد. مرجع کنترل نحوه استناد حادثه‌ای که برای فرد اتفاق می‌افتد به عوامل بیرونی یادروندی (شانس و اقبال، عوامل خارج از کنترل یا تلاشها و فعلیت‌های خودش) است. کوکانی که مرجع کنترل مستلزم تحول و گسترش مسئولیت‌پذیری و اعتقاد به نفس است. معمولاً اگر کودک تجرب رضایت‌بخش داشته باشد و پاسخها و تلاش‌هایش مورد تقویت قرار گرفته باشد، سریعاً این تعامل گسترش می‌یابد. ملاحظه می‌شود بسیاری از کوکانی که دارای دشواری‌های یادگیری هستند به دلیل داشتن تجرب منفی در آموزشگاه ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای مرجع کنترل بیرونی داشته باشند. تأثیر کمی بر پیشرفت آنان دارد. آنچه نسبت به تکالیف درسی‌شان رخ می‌دهد، بی ارتباط با اقدامات آنان است. نهایت بیرونی بودن معمولاً با اصطلاح «درمانگی آموخته شده» مشخص می‌شود. موقعی که فرد شکست سریع خود را در هر موقعیت جدید پیش‌بینی می‌کند را حساس می‌نماید. که قادر به تغییر نتایج نیست.

آنوزگاران باید شرایط را به‌گونه‌ای طراحی کنند که هر دانش آموز دریابد بین فعالیت و نتیجه کارش ارتباطی وجود نارد و مسئولیت هر دو را بهبودیرد. راهبردهای افزایش میزان درونی شدن مرجع کنترل: بسیاری از تحقیقاتی که بررسی سبک تدریس یا محیط یادگیری کوکانی که در سنجش نوع کنترل، بیرونی تشخیص

## آموزگاران باید به طور روزانه بازخوردهای تصحیح کننده‌ای برای دانش آموزان ضعیف

در نظر گیرند.

بسیاری از کوکانی که دارای دشواری‌های یادگیری هستند به دلیل داشتن تجرب منفی در

آموزشگاه ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای مرجع کنترل بیرونی داشته باشند

درست و غلط را تعیین می‌کنند و از دانش باز خورد لجتناب می‌کنند) صرفاً احسان بسی کفایتی را در دانش آموزان به وجود می‌آورند باز خورد به کویکان می‌باشد تصحیح کننده باشد و تا حد امکان به کویکان فرستد هدتا بتوانند به حل مسائل مشابهی بچردازند که اولین بار غلط نوشته‌اند آموزگاران باید به طور روزانه بازخوردهای تصحیح کنندهای برای دانش آموزان ضعیف درنظر گیرند دانش آموزون زیاد بدون آموزش بعدی آنها منجر به افزایش بیرونی بودن می‌شود

۵- در برخی مواقع تنیبی کوک برای برخی از خلافکاریها لازم است تنیبی باید بلا فاصله پس از رفتار ارائه شود تا کوک کاملاً آن را بفهمد باید به کوک فرستد داد تا عمل مناسب را در شرایط مشابه انجام می‌یابد و پس از آن جایزه خاصی را دریافت نارد.

۶- در حالی که لازم است به دانش آموزان کند و ضعیف که انگیزه‌ای تمارن جایزه‌ای ناده شود، اما باید از دانش پاداش هنگامی که

تکلیفهایی را برای دانش آموز مشخص کند که در طی زمان خاصی ملزم به انجام آن باشد اما این قراردادها به دانش آموز در زمینه لوازم مورد نیاز برای انجام تکلیفه مدت زمان صرف شده در هر بخش و یا کمک خواستن از دیگران امکان تصمیم‌گیری می‌دهد

۲- به کارگیری مطالبی که دارای سنتور العمل هستند (مانند برنامه‌های کامپیوتری) این مطالب به کوک کمک می‌کند تا نسبت به گستره فعالیتها و کوشش‌هاش در برنامه و پیشرفت در آن، آگاه شود

۲- هنگامی که کوکان در رامنه‌ای از نمرات نمره خود را با اختلاف ناچیزی از دیگران بیینند همین امر به آنها نشان می‌دهد که با کمی کوشش کارشان را با موفقیت به اتمام رسانند، کوکان در چنین شرایطی به جای مایوس شدن، به تحوّه عمل و تلاش خود می‌انجیشند

۳- آموزگارانی که تنها به تصحیح مستقیم تکالیف دانش آموزان می‌پردازند (به سادگی

مشکلات رفتاری دارند، تنها در صورتی که بتوانند به طور موقتی آمیزی فعالیتهای کلاسی‌شان را همراهی سازند سویدند واقع می‌شود (کانوی<sup>۱</sup> ۱۹۹۰) و نگ و استایلز<sup>۹</sup> (۱۹۷۶) کویکان هفت و هشت ساله را به تدریج تشویق کرند تا به برنامه‌ریزی هرچه بیشتر فعالیتهاشان بپردازند که را نیز بنا به جدول زمان‌بندی شده و متابع در نسترس در کلاس با انجام می‌دانند آنها نتیجه گرفتند که نظام خود بسربنمهریزی<sup>۱۰</sup> در تحول قابلیتهای کویکان، در اخذ مستویت شخصی و در پیشرفت و موفقیت‌شان نقش مهمی را ایفا

نموده به عبارت دیگر، افزایش تدریجی در به کارگیری «یادگیری خود جهتمندی<sup>۱۱</sup>» خودیاری و نروپی شدن مرجع کنترل شود شیوه‌هایی را نیز محققین برای بالا بردن میزان نروپی شدن مرجع کنترل پیشنهاد نموده‌اند به شرح ذیل می‌باشد:

۱- قرار نادهای فردی بین معلم و دانش آموز به شکل ساده‌ای منعقد گردید این قراردادها ممکن است به طور خاص



### منابع:

- 1- Bendell, D., tollefon, N. and Fine, M. (1990) Interaction of locus of control and the performance of learning disabled adolescents, *Journal of learning disabilities*, 13, 2: 83-6
- 2- Conway, R., (1990) Behaviour disorder. in Ashman and Elkins (eds) *Educating children with special needs*, new york: Prentice Hall.
- 4- Thurman, S.K. and Widstrom, A.H. (1990). *Infants and young children with special needs* (2nd edn), Baltimore: Book.
- 5- Wang, M.C. and Stiles, B. (1976) An investigation of child concept of self - responsibility for their school learning, *american Educational Research Journal* 13, 3: 159-79
- 6- westwood, p. (1994). *Commonsense methods for children with special needs* second edition by routledge

نقط به درمن گوش داده‌ای «مطالعات نشان مسی‌دهد، دانش آموزان ضعیف یا دانش آموزان که مشکلات» رفتاری دریند پیشتر سرزنش، استقاد و لختهار دریافت می‌کنند تا جایزه‌این دانش آموزان اظهار ناشتند که آموزگاران بیشتر آنها را مورد عدم تایید قرار می‌دهند و همین امر موجب من شود تا جو کلاس منقی گردید و بر روی یالگیری و میزان حرمت نفس آنان تاثیر می‌گذارد.

### \* پی‌نوشت‌ها:

1. Self - Management
2. Butler
3. Maturation
4. Truman & Widstrom
5. Locus of Control
6. Learned helplessness
7. Bendell & tollefon & Fine
8. Conway
9. Wang & Stiles
10. Self - Scheduling System
11. Self - Directed Learning
12. Brophy

هیچ تلاشی صورت نگرفته است خوبی‌داری نمود.

۷- آموزگاران باید به دانش آموزان فرصت دهد زیرا در موقع سؤال کردن اگر معلم فرست کافی برای پاسخ نداد در نظر گیرد، بسیاری از آنان به راحتی می‌توانند به او پاسخ گویند.

۸- در نادن جایزه به دانش آموزان باید به نکات ظرفی توجه نداشت. برقم (۱۹۷۹) با بررسی مطالعاتی که بر روی اثرات متغیرت جایزه بر روی لذت آموزان لتجام شده بود نتیجه گرفت که جایزه بر روی دانش آموزان ضعیف، مضطرب و ولیسته بسیار موثر است و عملکریشان را برای آنان ارزشمند می‌سازد. در لینجا اگر برای دانش آموز معلوم شود که جایزه حاصل تلاش و نتایج حاصله از آن بوده این لمر شرایط را برای کوشش‌های بیشتر وی فراهم می‌آورد.

ارائه جایزه می‌تواند توصیفی باشد. مثلًا گفته شود «رضام کارت خوب بود، امروز مستخط تو خیلی خوب و بدنه دیا سارا از اینکه امروز به سوالم پاسخ ندادی خیلی خوشحالم، این نشان می‌دهد که به

پژوهشکاران علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی